

بسم الله الرحمن الرحيم

سوره مبارکه شمس

استاد ضرابی فروردین ۱۴۰۰

جلسه سوم ۴۰۰/۱/۱۶

آیات شریفه : «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰) - که هر کس آن را پاک گردانید قطعاً رستگار شد (۹) و هر کس آن را به کفر و گناه پلید گرداند، زیان کار گشت (۱۰)»

عنوان: وقتی انسان از خواب غفلت بیدار شد...

وقتی انسان از خواب غفلت بیدار شد و دید که در دنیای تعارض‌ها و تقابل‌ها میان پاکی‌ها و پلیدی‌ها زندگی می‌کند و دائماً در معرض آلودگی به پلیدیها قرار دارد، نمی‌تواند نسبت آنها بی‌تفاوت بماند؛ قبل از هر چیز باید از صمیم قلب نجات خود را از خدا بخواهد.

روایت از سعید بن ابی هلال است که گفت: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) چون آیه قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا را تلاوت می‌فرمود توقف می‌کرد و عرض می‌کرد «اللَّهُمَّ اتِّ نَفْسِي تَقْوِيهَا وَ زَكِّيْهَا، أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكِّيْهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَ مَوْلِيْهَا - خدایا! به روح من تقوا و تزکیه آن را عنایت کن. تو بهترین کسی هستی که آن را تزکیه می‌کنی. تو سرپرست و مولای روح من هستی» (الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۵۶).

بنابراین سعادت نفس این است که انسان خود از تمام پلیدی‌ها دوری کند (تزکیه کند)، و در حدّ توان خود به خوبی‌ها پایبند باشد (به تمام عقائد حقه معتقد باشد، از اخلاق رذیله و زشت؛ مانند کبر، حسد، بخل و خودپسندی و... دوری کند و از انجام گناه و معاصی پرهیزد). در قرآن می‌خوانیم: «و افْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ - و کار نیکو کنید، باشد که رستگار شوید» (حج، ۷۷) و نیز «إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ

الْمُجْرِمُونَ - و البته بدکاران هرگز به فلاح و رستگاری نخواهند رسید. «(یونس، ۱۷)

امروز به کار خیر اگر نشتابی فرصت چو گذشت ، کی دگر دریابی
عمر تو چو اسب است و تو ، مانند سوار او می بردت تند و تو اندر خوابی
عنوان: گرفتاران در دام شیطان

در روایتی به نقل از امام صادق (علیه السلام) دلایل گرفتار شدن به دام شیطان و تبعیت از او را چنین بیان نموده است: «لَا يَتَمَكَّنُ الشَّيْطَانُ بِالْوَسْوَسَةِ مِنَ الْعَبْدِ إِلَّا وَ قَدْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ اسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ ... - شیطان موفق به وسوسه بنده‌ای نمی‌شود، مگر آن‌گاه که او از یاد خدا روی بگرداند، امر خدا را سبک بشمارد و در جایگاه نافرمانی از خدا قرار بگیرد و فراموش کند که خدا بر کارهای پنهانی او آگاه است. » (مصابح الشریعة، ص ۷۹)

اما وسوسه آن‌گاه که در دل جای گیرد، موجب گمراهی و ضلالت و کفر است. خدای عزوجل از سر لطف، بندگان را فرا خوانده و آنان را از دشمنی شیطان آگاه کرده است و فرموده: «همانا شیطان برای شما دشمنی آشکار است» و نیز فرموده: «همانا شیطان دشمن شما است، پس او را دشمن خود بدانید.» برآستی که ریشه همه بدبختی‌ها فراموشی یاد خداست: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ. - پس وای بر آنان که به خاطر قساوت (و شقاوت) دل‌هاشان از یاد خدا فارغ است! اینان هستند که دانسته به ضلالت و گمراهی‌اند.» (زمر / ۲۲)

شیطان به گونه‌ای عمل می‌کند که فریب‌خورده بدبخت گمان دارد که درست عمل می‌کند و این هشدار بزرگ و تکان دهنده‌ای برای همه مؤمنان است که همیشه به نفس خود مطمئن باشند و آن را دائماً با میزان‌ها و ملاک‌های الهی وفق داده با تضرع از خداوند هدایت خود و دیگران را بخواهند: «قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا، الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ هُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يَحْسِنُونَ صُنْعًا - بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم در عمل‌ها خبر دهیم؟ آنها کسانی هستند که

سعیشان در زندگی دنیا تباه شده و خود گمان می‌کنند که کار نیکی انجام می‌دهند»
(کَهِف / ۱۰۳)

صد هزاران دام و دانه است ای خدا	ما چو مرغان حریص بی نوا
دمبدم پا بسته دام نویم	هر یکی گر باز و سیمرغی شویم
می رهانی هر دمی ما را و باز	سوی دمی می رویم ای بی نیاز

عنوان: مخاطرات توهم و تخیل

مهم‌ترین شیوه تسلط شیطان ، تصرف در اندیشه و خیال انسان است، شیطان آرزوها و خیالاتی را برای انسان مطرح می‌کند که او را گرفتار آمال و آرزوهای دور و دراز و دست نیافتنی کند؛ وقتی آرزوهای دور و دراز بر دل انسان حکم‌فرما شد، و با آنها خو گرفت و وابستگی‌اش کاملاً محکم شد، دچار افکاری موهوم و غیر واقعی می‌گردد و در اثر این خیال‌پردازی از آنجایی که به آرزوهای خود نیز دست نخواهد یافت ، عاقبت به خیر نمی‌شود خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد که چنین افرادی را رها کند تا مشغول آمال خویش گردند که بزودی می‌فهمند که چقدر شقاوتمند بوده‌اند: «ذَرُّهُمْ يَأْكُلُوا وَ يَتَمَتَّعُوا وَ يُلْهِمُ الْأَمَلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ - آنان را واگذار تا بخورند و برخوردار شوند و آرزوها مشغولشان کند، که به زودی خواهند فهمید. «(حجر / ۳)

امیرالمؤمنین(ع) در روایتی این هشدار و خطر فراگیر را که دست‌مایه رنجهای دنیا و آخرت است به فریاد بلند اعلام می‌فرماید: «أَلَا إِنَّ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ خَلَّتَانِ اتَّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ أَمَّا اتَّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ - من برای شما از دو چیز می‌ترسم: اول متابعت از هوی و هوس، دوم آمال و آرزوهای بیجا. پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد، و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد. «(نهج البلاغه، خطبه ۴۲)

در حقیقت انسان گرفتار عذابهایی است که خود برای خود ایجاد کرده است؛ غصه‌ها و رنجهایی که در دنیا و آخرت بخاطر این امور پوچ و بی ارزش برای

او به دست خود او ایجاد شده و از آن خلاصی ندارد. زیرا این آرزوهای به ظاهر شیرین و دوست‌داشتنی، روی دیگرش این است که وقتی متوجه شود که در معرض خطر است و به آنها نخواهد رسید، مانند کنده شدن موهای بدن درد آور و عذاب دهنده است؛ درست مانند کسی که در خواب کابوسی می‌بیند و در حال عذاب کشیدن است و وقتی بیدار شود خواهد دید که این همه عذاب بی سبب بوده و واقعیتی ندارد. ولی آن که می‌میرد دیگر از این خواب بیدار نمی‌شود.

آنانکه نکشتند به دل دانه تقوا از خرمن حق توشه توفیق نچیدند
صاحب نظران دانه نکردند تمنا کردند دل از دانه واز دام رمیدند

رهایی از وسوسه شیطان ، تخیل و توهم

تمام قوت شیطان در اغوای انسان از تعلقات و وابستگی‌ها تأمین می‌شود و سبطره و تسلط بر افراد را خداوند جز از این راه اجازه نفرموده است: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ، إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ - چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند تسلطی نیست، جز این نیست که تسلط او بر کسانی است که او را به یاری و سرپرستی می‌گیرند و کسانی که برای خداوند شریک قرار می‌دهند». (نحل / ۹۹)

ولایت شیطان و شرک به خداوند ریشه در تعلقات و وابستگی‌های انسان دارد. خداوند متعال در این آیه شریفه، با چندین تأکید می‌فرماید: شیطان نمی‌تواند بر کسی که خداوند را پناه خویش قرار داده، مسلط شود. کسی که خود را به پروردگار خویش سپرده و زیر پرچم او قرار گرفته است، از تسلط شیطان در امان است.

از این نظر تنها راه رهایی از وسوسه‌های شیطان، و تخیلات و توهمات، بی‌تفاوتی نسبت به آنها، از طریق برقراری ارتباط با خدای مهربان و مخالفت با القائنات شیطان ملعون است.

مداومت بر ذکر یاد خداوند با تنوعاتی که برای آن وجود دارد، به عنوان جهادی عظیم در امر خودسازی مطرح است که مصداق بالای تقوای الهی شمرده می‌شود: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ - و هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند به او روزی می‌رساند.» (طلاق: ۲-۳)

تو نیک و بد خود هم از خود بپرس چرا دیگری بایدت محتسب
و من یتق الله یجعل له و یرزقه من حیث لا یحتسب
ضمن این که یاد خداوند مانند صاعقه‌ای و شهاب سنگی برتر و بالاتر از آنچه حاجیان به عنوان رمی جمره بر شیطان می‌زنند، بطور واقعی بر سر شیطان فرود می‌آید و به تعقیب آن می‌پردازد تا او را به هلاکت برساند و این از الطاف الهی بر مؤمنان است که شهاب سنگ‌ها را بر سر شیاطینی می‌بارد که عامل همه مصیبت‌ها و بلاها، جنگ‌ها و کشتارهایی هستند که با وسوسه و تحریک رخ می‌دهد «وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا لِلشَّيَاطِينِ وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ - و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب آن ستارگان شیاطین را راندیم و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم.» (ملک/۵)

از مقایسه این آیه شریفه با آیات دیگر سوره مبارکه صافات می‌توان فهمید که حقیقت مصابیح که خداوند معادلی برای آن در عالم دنیا از اجرام نورانی و فروزان قرار داده، همان یاد خداوند است که با شهاب‌سنگ‌ها محافظت می‌شود که آتشی مخصوص راندن شیاطین دارند: «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ* وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ* لَا يَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلَأِ الْأَعْلَى وَ يُقَذَّفُونَ مِنْ كُلِّ جَانِبٍ* دُحُورًا وَ لَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ* إِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ شِهَابٌ ثَاقِبٌ - ما آسمان نزدیک دنیا را با ستارگان آراستیم.* تا آن را از هر شیطان خبیثی حفظ کنیم!* آنها نمی‌توانند به (سخنان) فرشتگان عالم بالا گوش فرا دهند، (و هرگاه چنین کنند) از هر سو هدف قرار می‌گیرند!* آنها به شدت به عقب رانده می‌شوند؛ و

برای آنان مجازاتی دائم است! * مگر آنها که برای استراق سمع نزدیک شوند، که «شهاب ثاقب» آنها را تعقیب می کند!» (صافات/۶ تا ۱۰)

علاوه بر این در قرآن می خوانیم که: ملائکه الهی به امر خداوند از انسان محافظت می کنند و شیطان را از وی دور می سازند: «لَهُ مُعَقَّبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ - برای هر کس پاسبانها از پیش رو و پشت سر برگماشته شده که به امر خدا او را نگهبانی کنند.» (رعد / ۱۱)

به ذکر الله هر دم بر شما باد	که این درد تو را ، خواهد شفا داد
ولی از ذکر مردم ، کن تو پرهیز	که سازد آتش درد تو را ، تیز

عنوان :نتایج مراقبت از طائر خیال

امام خمینی (رحمه الله) در بیان «ضبط خیال» می نویسد: «بدان که اول شرط از برای مجاهد در این مقام و مقامات دیگر ، که می تواند منشأ غلبه بر شیطان و جنودش شود، حفظ طایر خیال است؛ چون که این خیال مرعی است بس پرواز کن که در هر آنی بر شاخه خود را می آویزد و این موجب بسی از بدبختی هاست و خیال یکی از دستاویزهای شیطان است که انسان را به واسطه آن بیچاره کرده، به شقاوت دعوت می کند.

انسان مجاهد که در صدد اصلاح خود برآمده و می خواهد باطن را صفایی دهد و از جنود ابلیس آن را خالی کند، باید زمام خیال را در دست گیرد و نگذارد هر جا می خواهد پرواز کند و مانع شود از اینکه خیال های فاسد باطل برای او پیش آید، از قبیل خیال معاصی و شیطنت، همیشه خیال خود را متوجه امور شریفه کند و این اگرچه در اول امر قدری مشکل به نظر می رسد و شیطان و جنودش آن را به نظر بزرگ جلوه می دهند، ولی با قدری مراقبت و مواظبت امر سهل می شود...» (شرح چهل حدیث، ص ۱۷)

پیامبر مکرم اسلام فرمود: «لَوْ لَا أَنَّ الشَّيَاطِينَ يَحُومُونَ عَلَى قُلُوبِ بَنِي آدَمَ لَنَظَرُوا إِلَى مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ - اگر شیاطین بر دل فرزندان آدم احاطه نمی یافتند، آنان ملکوت را می دیدند. (بحار، ج ۶۰، ص ۳۳۲)

دام سختست مگر یار شود لطف خدا
ور نه آدم نبرد صرفه زشیطان رجیم

علی (علیه السلام) فرمود: «قلوب العباد الطاهرة مواضع نظر الله سبحانه فمن طهر قلبه نظر الله اليه...» (غرر الحکم، ج ۲، ص ۵۳۸)، پس دل که عرش الهی است به تعبیر امام صادق (علیه السلام) در تفسیر آیه: «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» (شعرا: ۸۹): «قال القلب السليم الذي يلقي ربه و ليس فيه احد - یعنی جز خدا بر آن حکومت نکند و در آن نگنجد» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۶) همانا مَهَبَط و فرودگاه معارف شهودی خواهد شد.

پس «مراقبت نفس» کلید کمال معرفتی - معنویتی و بذر معارف ماورایی است و مراقبت دو نوع است:

الف) مراقبت اخلاقی در اکتساب فضائل و اجتناب از رذایل؛

ب) مراقبت عرفانی که مراقبت باطنی خواهد بود و مراقبت از توجه به غیر خدا و مراقبت در رهایی از هر تعلق و تعینی است.

در اولی تلاش می کند که گناهی مرتکب نشود و در دومی تلاش می کند که به غیر خدا نظر نداشته باشد و هر دو نوع مراقبه در مرتبه خویش روزی های معرفتی را به دنبال خواهند داشت که در آموزه های قرآنی با عنوان «تقوی» قابل تبیین و تحصیل است و میان تقوی و معرفت شهودی رابطه وجودی و مستقیم برقرار است؛ چنان که خدای سبحان فرمود:

«وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيَعْلَمَكُمُ اللَّهُ - و از خدا بترسید و خداوند هم به شما تعلیم مصالح امور می کند. « (بقره: ۲۸۲)

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «إِنَّ مَاضِيَ يَوْمِكَ مُنْتَقِلٌ وَ بَاقِيهِ مُتَهَمٌ فَاعْتَنِمَ وَقَتَكَ الْعَمَلِ - آنچه گذشت، گذشته، و آینده هم هنوز نیامده است (و معلوم

نیست به آن بررسی) پس فرصت اکنون را برای عمل غنیمت بشمار. « (غررالحکم، ص ۱۵۱)

از برکات دیگر محافظت بر قوّه خیال، رویاهای صالحه و صادقانه است: پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «لَمْ يَبْقَ مِنَ النَّبَوَةِ إِلَّا الْمُبَشِّرَاتُ، قَالُوا: وَ مَا الْمُبَشِّرَاتُ؟ قَالَ: الرُّؤْيَا الصَّالِحَةُ...» - از نبوت فقط نوید دهنده ها باقی مانده است. پرسیدند: نوید دهنده ها چیست؟ فرمود: رؤیای خوب. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۱، ص ۱۷۷)

و نیز فرمودند: «الرُّؤْيَا ثَلَاثَةٌ: بُشْرَى مِنَ اللَّهِ وَ تَحْزِينٌ مِنَ الشَّيْطَانِ وَ الَّذِي يُحَدِّثُ بِهِ الْإِنْسَانُ نَفْسَهُ فَيَرَاهُ فِي مَنَامِهِ - رؤیا سه گونه است: بشارتی از جانب خدا و غمی از جانب شیطان و حدیث نفس های انسان با خویش که آنها را در خوابش می بیند.» (بحار الأنوار: ۵۸/۱۹۱/۶۱)

در این حدیث، ذکر شده خواب های ناراحت کننده از ناحیه شیطان است و فقط خواب های خوش از ناحیه خداوند است. اما گاهی انسان خوابی می بیند که غم انگیز است و در آینده نیز اتفاق می افتد که این خواب رؤیای صادقانه می باشد و رؤیای صادقانه از سوی خداوند است.

جز رخ دوست نظر سوی کسی نیست مرا	مده از جنت و از حور و قصورم خبری
بدو عالم ندهم روی دل آرای تو را	رهرو عشقم و از خرقه و مسند بیزار
آنکه در خواب ببندد رعنای تو را	قامت سروقدان را به پیشیزی نخرد